

به نام خالق زیبایی ها

تحلیل سوالات درس فلسفه و منطق کنکور اردیبهشت سال ۱۴۰۴

گرد آوری : سید علی هاشمی

استان قزوین

پاسخنامه تشریحی درس فلسفه و منطق کنکور اردیبهشت سال ۱۴۰۴

پاسخ گزینه ۱

تست شماره ۱۲۶

دلایل رد سایر گزینه ها: دانش آموزان به عبارت بی واسطه و شمرده نمیشوند دقت فرمایید. گزینه ۴ یعنی افزایش توان مواجهه با خطا یکی از اهداف دانش منطق بود که نتیجه به کارگیری قواعد منطق افزایش توان مواجهه با خطا است.

گزینه ۳: در این عبارت یکی از لازمه های به کارگیری دانش منطق تشخیص مراحل استدلال است. با بکارگیری دانش منطق هر شخصی میتواند مراحل استدلال را شناسایی نماید و از خطا در این مراحل جلوگیری کند.

گزینه ۲: یکی از اقدامات منطق انسجام ساختاری اندیشه بود که با طبقه بندی ذهن ارتباط داشت. با به کار گیری دانش منطق ذهن انسان بی واسطه انسجامی از تفکر و اندیشه میرسد که با طبقه بندی ذهن برای جلوگیری از خطای اندیشه ارتباط مستقیم دارد.

گزینه ۱: اینکه انسان با به کارگیری دانش منطق به اصلاح مبانی تفکر برسد باید با واسطه یادگیری دانش منطق و سپس به کارگیری آنها در مراحل تفکر باشد. پس در اینجا این عبارت با واسطه شمرده میشود.

تست شماره ۱۲۷ : پاسخ گزینه ۴

نکته مهم: رابطه بین هوا با دارای بعد رابطه تباین است. (هیچ هوایی دارای بعد نیست، هیچ دارای بعدی هم هوا نیست)

رابطه بی مهره با دوزیست هم رابطه تباین است. (هیچ بی مهره ای دوزیست نیست، هیچ دوزیستی هم بی مهره نیست)

در اینجا مثالی که برای تشخیص آورده میشود از دوزیستان مانند لاک پشت (لاک پشت جزو مهره داران است و هیچ دوزیستی نیست که مهره نداشته باشد)

پس در این تست باید دنبال دورابطه تباین در گزینه ها باشیم.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: رابطه پنج ضلعی با دارای زاویه ، **عموم وخصوص مطلق** است. (از تکنیک یک هر ودوبعضی استفاده میکنیم) هر پنج ضلعی دارای زاویه است . بعضی دارای زاویه ها پنج ضلعی هستند. بعضی دارای زاویه ها پنج ضلعی نیستند.(ممکن است چهارضلعی باشد) - رابطه شخصی با **موجبه عموم وخصوص من وجه** است. (از تکنیک چهار بعضی استفاده میکنیم. بعضی شخصی ها **موجبه** هستند. بعضی شخصی ها **موجبه** نیستند . بعضی **موجبه** ها شخصی هستند. بعضی **موجبه** ها شخصی نیستند. (ممکن است محصوره باشد)

گزینه ۲: رابطه پرده با پرواز کننده، **عموم وخصوص من وجه** است. (برای تشخیص رابطه من وجه از چهار بعضی استفاده می شود. (بعضی از پرده ها پرواز کننده هستند(مانند کبوتر) بعضی از پرده ها پرواز کننده نیستند(مانند شترمرغ) بعضی از پرواز کننده ها پرده هستند(مانند کبوتر) بعضی از پرواز کننده ها پرده نیستند(مانند هواپیما) . رابطه مستطیل با مربع، **عموم وخصوص مطلق** است.(برای عموم وخصوص مطلق از تکنیک یک هر و دوبعضی استفاده میکنیم. هر مربعی مستطیل است. بعضی از مستطیل ها مربع هستند و بعضی از مستطیل ها مربع نیستند.)

نکته: در مبحث هندسه اشکال از شکل متوازی الاضلاع شروع میشود. با قائمه اضلاع متوازی الاضلاع مستطیل ایجاد می شود. پس رابطه مستطیل با متوازی الاضلاع عموم وخصوص مطلق است. چون هر مستطیلی یک متوازی الاضلاع می شود. از با یکسان کردن اضلاع مستطیل مربع ایجاد می شود. پس هر مربعی یک مستطیل است ولی هر مستطیلی را نمیتوان مربع دانست(فقط مستطیل هایی که اضلاعشان مساوی باشند).

گزینه ۳: رابطه قیاس با استدلال ، **عموم وخصوص مطلق** است. (از تکنیک یک هر و چهار بعضی استفاده می کنیم.) هر قیاسی استدلال است. بعضی از استدلال ها قیاس هستند و بعضی از استدلال ها قیاس نیستند. رابطه روح با ممکن الوجود، **عموم وخصوص من وجه** است. (برای این از تکنیک چهار بعضی استفاده میکنیم. بعضی از روح ها ممکن الوجود هستند.(مانند روح هایی که الان ایجاد شده ووجود دارند) بعضی از روح ها ممکن الوجود نیستند.(مانند روح دیو هفت سر) بعضی از ممکن الوجود ها روح هستند. بعضی از ممکن الوجود ها روح نیستند(مثل بقیه موجودات مانند نیمکت).

گزینه ۴: رابطه اندیشه با استقرا، **تباین** است(برای تباین از تکنیک دوهیچ استفاده می کنیم) هیچ اندیشه ای استقرا نیست. هیچ استقرایی اندیشه نیست(درسته که ما از استقرا برای اصلاح اندیشه استفاده میکنیم ولی آیا میتوان گفت که مصادیق استقرا اندیشه هستند؟ استقرا جزو استدلال است و هیچ مصادیقی با اندیشه ندارد. به

عنوان مثال انسان از پاک کن برای اصلاح نوشته های خودش استفاده میکند آیا میتواند گفت که مداد جزوی از پاک کن است؟ هیچ مصداق مشترکی ندارند. رابطه بین دایره و قطر نیز تباین است.

نکته: رابطه اجزای یک مفهوم کلی با خود مفهوم همیشه رابطه تباین است. (مثلا رابطه مربع با ضلع) نمیتوان گفت مربع ضلع است مربع مجموعه ای از اضلاع است که با هم مربع را ساخته اند. نمیتوان گفت دایره قطر است. قطر جزوی از یک مفهوم بزرگتری به نام دایره است.

تست شماره ۱۲۸ : پاسخ گزینه ۲

توضیحات: این تست یکی از سوالاتی است که در حد دشوار طرح شده پس برای پاسخ به این سوال نباید عجله کرد. برای حل بهتر این سوال میتوان از مفاهیم موجود در ذهن استفاده کرد.

سوال گفته مفهوم A از مفهوم B و C بزرگتره چون شامل همه مصادیق دوتا مفهوم B و C میشه. خب من اگه این مفهوم A رو تو ذهن خودم شکل تصور کنم و مفهوم B رو مربع تصور کنم و مفهوم C رو مثلث دیگه راحت میشه این سوال حل کرد. الان شکل از مربع و مثلث بزرگتره و شامل همه مصادیق مربع و مثلث میشه دیگه. راستی اگر دقت کنیم اسم ویژگی خاص رو آورده تو سوال به اسم b و d من که برای مفهوم های بالا یه مورد در نظر گرفتم الان باید یه مفهوم دیگه هم برای b و d در نظر بگیرم اسم مفهوم b رو که گفته ویژگی خاص، من میزارم مساوی بودن ضلع ها چون این مفهوم تو سوال ویژگی خاص مفهوم B بود دیگه الان مساوی بودن ضلع ها برای مربع یه مفهوم خاصه. برای مفهوم d هم که تو سوال گفته ویژگی خاص C من یه ویژگی خاص برای مثلث میزارم و اون سه ضلع بودنشه. الان سه ضلعی برای مثلث یه مفهوم خاصه.

با این توضیحات بریم و گزینه ها رو بررسی کنیم:

گزینه شماره ۱): تو گزینه گفته به A میتونیم همه مفاهیم b و d رو نسبت بدیم. الان ایا من میتونم به شکل خودم (A) هم بگم چهار ضلع مساوی وهم بگم سه ضلعی؟ من اسم مفهوم A رو شکل گذاشتم دیگ اسم مفهوم b رو هم گذاشتم چهار ضلع مساوی و اسم مفهوم d رو گذاشتم سه ضلعی پس بخوام با مفهوم های خودم جاگذاری کنم به جای A تو عبارت از لفظ شکل استفاده میکنم و به جای b از لفظ چهارضلع مساوی و به جای d هم از لفظ سه ضلعی حالا بیایم این عبارت رو با جاگذاری بخونیم: به شکل میتوان هر کدام از چهارضلع مساوی و سه ضلع را نسبت داد. الان این عبارت غلطه دیگه مگه من میتونم یه شکلی داشته باشم که هم چهارضلعی باشه هم سه ضلعی؟ پس این عبارت غلطه.

گزینه شماره ۲: خب بیاید تو این گزینه هم از مفهوم هایی که انتخاب کردیم استفاده کنیم. یعنی به جای مفهوم A از شکل به جای مفهوم B از مربع ، به جای مفهوم C از مثلث ، به جای مفهوم b از چهار ضلع مساوی و به جای مفهوم d از سه ضلعی.

ما میتونیم با استفاده مفهوم A (شکل) و به کارگیری ویژگی b (چهارضلع مساوی) به تعریف جامعی از مفهوم B (مربع) به دست بیاریم؟ بله دیگه همه شکل هایی که چهارضلع مساوی دارند ، مربع هستند. پس این گزینه درسته.

گزینه شماره ۳: این گزینه میگه مجموع اون ویژگی های خاص b و d به تعریف جامع از مفهوم A به ما میده. الان اسم b بود؟ چهارضلع مساوی . اسم d چی بود؟ سه ضلعی آیا من چهارضلع مساوی و سه ضلعی رو باهم استفاده کنم برای من مفهوم شکل رو تعریف میکنه؟ شکل به تعریف خیلی جامع تری داره پس این گزینه درست نیست. تعریف منطقی شکل کیفیت قرارگیری اجزا در یک ساختار منطقی. مانع بودنش میشه ساختار چینش اجزا.

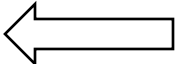
گزینه شماره ۴: این گزینه میگه اگه ما یکی از ویژگی های b (چهارضلع مساوی) و یا d (سه ضلعی) رو بیاریم به تعریف مانعی از A (شکل) به ما میده. ببینین دنش آموزان من اگه بخوام شکل رو فقط به چهارضلع مساوی تعریف کنم و ویژگی های دیگه رو نیارم اصلا تعریف درستی از مفهوم شکل رو ندارم چه برسه به اینکه بخوام اینو مانع حساب کنم. از طرف دیگه اگرهم من فقط شکل رو سه ضلعی به عنوان مثال تعریف کنم یعنی فقط با مفهوم d تعریف من مانع نمیشه.

تست شماره ۱۲۹: پاسخ گزینه ۳

این سوال نسبتا آسونه فقط کمی دقت میخواد. تو سوال از ما موضوع و محمول خواسته.

مرور مطالب: برای پیدا کردن موضوع و محمول تو قضیه باید حتما از فعل اسنادی استفاده بشه اگر فعل ما اسنادی بود که عالیه و در غیر اینصورت باید خودمون عبارت رو تبدیل به فعل اسنادی کنیم.

خب تو عبارت هیچ وازر ووزر غیری نداشت. ببینین دانش آموزان عزیز ما اینجا فعل اسنادی نداریم برنداشت به فعل اسنادی نیست پس باید خودمون تبدیل به فعل اسنادی کنیم. عبارت درست قضیه با تبدیل شدن فعل به

یک فعل اسنادی اینجوری میشه  هیچ وازر بردارنده وزر گیری نیست. الان سوال قسمت الفش گفته محمول رو پیدا کن. محمول ما اینجا چیه (بردارنده وزر غیر) حالا بریم و گزینه ها رو بررسی کنیم:

گزینه ۲: این گزینه که قسمت اولش گفته وزر غیر در حالیکه وقتی ما قضیه رو درستش کردیم محمول ما شد بردارنده وزر غیر.

گزینه ۴: این گزینه هم دقیق مطابق گزینه ۲ هست و محمول رو وزر غیر در نظر گرفته که اشتباهه.

گزینه ۱: عبارت ج و ب طبق سوال از ما موضوع رو میخواد. موضوع قضیه ب درسته گوهر آدمیان درسته وسط جمله امده ولی بعضی وقتا به عنوان تله ازش استفاده میکنن من توی تعریف موضوع باید چیزی رو بهش نسبت بدم الان تو این عبارت من به گوهر آدمیان شناختن رو نسبت میدم حالا هر جای جمله که میخواد باشه. پس موضوع چیزی که من یه مفهومی مه اسمش محموله رو بهش نسبت میدم. فرقی نمیکنه این موضوع اول جمله باشه یا وسط جمله. الان این گزینه و انتخابش درسته چون هم گزینه ۱ گفته گوهر آدمیان و هم گزینه ۳ پس باید برم سراغ آخرین عبارت. آخرین عبارت از ما موضوع میخواد. موضوع نعمت بی اندازه بخشید.

بچه ها باز ما اینجا قضیه استاندارد نداریم چون باید فعل ما اسنادی باشه اینجا فعلمون رو اگه بخوایم اسنادی کنیم درسته این عبارت میشه : او بخشنده نعمت بی اندازه است. موضوع ما چی میشه ؟ میشه او که محذوفه ولی تو معنا میشه پیداش کرد. پس این گزینه نعمت رو به عنوان موضوع گرفته و غلطه و پاسخ صحیح میشه گزینه ۳.

تست شماره ۱۳۰: پاسخ گزینه ۲

از ما قیاس معتبری خواسته در نظر بگیریم و بررسی کنیم ببینیم کدوم عبارت درسته نوع قیاس و هم اقترانی گفته پس باید به این ها توجه کنیم.

گزینه ۱: برای اینکه یه قیاسی معتبر باشه باید یکی از محصورات چهارگانه (موجه کلیه، موجه جزیه، سالبه کلیه و سالبه جزئیه) باشه اما صورت سوال گفته قیاس اقترانی نه شرطی. پس این گزینه رد میشه.

گزینه ۲: ببینین بچه ها ما اگه بخوایم دوتا مقدمه از یه قیاس معتبر داشته باشیم دیگه نمیتونیم یه قیاس معتبره دیگه تاکید میکنم معتبر به شکل دیگه بسازیم. چون حد اعتبار اون مقدمات به همون شکل شده قیاس معتبره.

گزینه ۳: این گزینه میگه اگه موضوع نتیجه یه قیاس از مقدمه اول و محمولش رو از مقدمه دوم حذف کنیم حد وسط مشخص میشه دقیقا درسته بذارین یه مثال بزنم تا بهتر متوجه بشین : من یه نتیجه ای دارم بعضی الف ج نیست. حالا مقدمات این نتیجه منم اینجوری بوده : بعضی الف ب است هر ب ج نیست الان موضوع من تو نتیجه الفه اگه حذفش کنم تو مقدمات طبق گفته سوال و محمول نتیجه که ج باشه رو هم حذف کنم از مقدمه دومم ایا حد وسطم تو مقدمات پیدا نمیشه؟ چرا دیگه حد وسطم میشه ب. پس این عبارت درسته.

گزینه ۴: بچه ها قانون نتیجه قیاس رو باید حتما با توجه به درستی یا نادرستی نتیجه قیاس به این پی ببریم که چه جوری از مقدمات به نتیجه برسیم وقتی نتیجه من غلط باشه دیگه چه فایده داره که من از مقدمات به نتیجه برسم قانون اصلی قیاس میگه چه جوری با مقدمات درست نتیجه درستی از مقدمات بگیریم پس این درستی و نادرستی اهمیت داره.

تست شماره ۱۳۱: پاسخ گزینه ۳

نکته مهم: ببینین بچه ها ما قضیه منفصل مانعه الجمع داشتیم ومانعه الرفع. تو قضیه منفصل مانعه الرفع من میتونستم بگم دوتا مفهوم همزمان باهم جمع میشن ولی نمیتونستم بگم هیچ کدوم از این مفاهیم نباشن. مثلا من میتونستم بگم برای دیدن کارنامه کنکورخودتون یا شماره داوطلبی رو وارد کنین ویا شماره پرورنده. شما میتونین برای دیدن کارنامه خودتون دوتا شرط هم رعایت کنین اما نمیتونین هیچ کدوم رو رعایت نکنین و کارنامه خودتونم ببینین. پس تو صدق باهم جمع میشن دوتا مفهوم ولی تو کذب نه.

اما تو مفهوم مانعه الجمع من نمیتونم بگم دوتا مفهوم همزمان باهم وجود دارند. مثلا میگم امروز یا شنبه است یا یکشنبه نمیتونم همزمان بگم هم شنبه است و هم یکشنبه ولی میتونم بگم هیچ کدوم نیست. پس جمعشون تو صدق محاله ولی تو کذب امکان پذیره.

الان تو این سوال گفته دوتا مفهوم الف یا غیر ج نسبت مانعه الرفع دارند یعنی همزمان باهم جمع میشن ولی نمیشه که هیچ کدوم نباشه و تو عبارت بعدی هم گفته ب یا غیر د مانعه الجمع یعنی یکی فقط درست میشه واون یکی غلط ولی میشه هیچ کدوم از این مفهوم ها نباشه .

عبارت ب یا غیر د مانعه الجمع یعنی ب همزمان نمیتونه با غیر د جمع بشه وقتی نمیتونه با غیر د جمع بشه من میتونم این عبارت رو بگم دیگ : بعضی ب غیر د نیست چون ب با غیر د هیچ وقت باهم نیستن.

عبارت اول هم باید جوری نتیجه گیری کنم که همزمان باهم بتونم باشن(نه لزوما) ولی همزمان هیچکدوم نباشن. وقتی میگم الف یا غیر ج یعنی ممکنه که بعضی از الف ها ج نباشن ببینین سوال گفته رابطه الف با غیر ج مانعه الرفع ن ج پس اینجا من میتونم تصور کنم که الف من بعضی وقتا ج نباشه بعضی وقتا باشه دقت کنین گزینه ۱ گفته هیچ وقت این لفظ یعنی من نمیتونم تصور کنم که الف با ج جمع بشه در صورتیکه که رابطشون مانعه الرفع بود یعنی همزمان باهم جمع میشن البته نه لزوما پس میتونم بگم که بعضی وقتا الف ج نیست که قسمت اولم یعنی الف رو تایید میکنم و بعضی وقتا میگم الف ج است که جمع دوتااشون رو تایید میکنم . پس عبارت درست میشه گزینه ۳.

برای این سوال اگر مثال بنویسیم میگیم الف همون شماره پرونده و غیر ج همون شماره داوطلبی. من میتونم بگم که بعضی وقتا شماره پرونده شماره داوطلبی باهم باشن. بعضی وقتا هم شماره پرونده بدون شماره داوطلبی برای دیدن نتیجه نهایی کنکور همون عبارت بعضی الف ج نیست اما نمیتونم بگم نه شماره پرونده و نه داوطلبی همون عبارت هیچ الف ج نیست. نکته دیگه این سوال اینه که من الف رو با غیر ج مقایسه میکنم غیر ج شامل هر مفهومی غیر ج مثلا پ حالا من میگم رابطه الف با غیر ج مثلا پ مانعه الرفع یعنی چی یعنی بعضی وقتا الف با خود ج میتونه باشه و بعضی وقتا با ج نباشه مثلا با غیر ج باشه یعنی پ (صدق همزمان دوتا مفهوم) .

این تست تو سطح دشوار طرح شده بود.

تست شماره ۱۳۲: پاسخ گزینه ۲

این تست از مغالطه ها پرسش کرده انواع مغالطات: توسل به احساسات که شامل تطمیع و ترحم و... میشد ، تله گذاری، مسموم کردن چاه و ... بود صورت سوال به ما گفته سه گزینه مغالطه یکسای دارند و فقط یک گزینه مغالطش فرق داره بریم و گزینه ها رو بررسی کنیم:

گزینه ۱: تو این عبارت دانش آموز قصد ثبت نام تو یه مدرسه نمونه ای رو داشته و مادرش برای اون مدرسه یک میکروسکوپ عالی خریده. اینجا احساسات مدیر مدرسه رو برای ثبت نام پسرش داره چون اگه ثبت نامش کنه میکروسکوپ برای مدرسه میشه و اگه ثبت نام نکنه خیر پس اینجا **توسل به احساسات** رو داریم.

گزینه ۲: تو این گزینه وقتی موسسه آموزشی اعلام کرده **همه دانش آموزان موفق** تو کلاس های تابستانی ما شرکت کرده اند از مغالطه تله گذاری استفاده میکنه تا بقیه رو ترغیب به ثبت نام کنه.

گزینه ۳: وقتی گلدان شکسته شده با آمدن مادر برادر وانمود به بیماری کرده تا از احساسات مادر استفاده کنه . پس اینجا باز هم **توسل به احساسات** داریم.

گزینه ۴: در این گزینه وقتی مدیر موسسه متوجه شده که اسناد مالی رو یکی از کارکنان فهمیده اونو به همکاری دعوت کرده یعنی از احساسات داره استفاده میکنه .

پس سه تا گزینه شد تو سل به احساسات و اون یکی شد تله گذاری جواب ما گزینه ۲.
خب منطق تموم شد هم سوالات دشوار داشت وهم سوالات متوسط ودر کل سوالات آسونی نداشت ولی با مطالعه عمیق کتاب درسی میشد جواب این سوالات رو داد. الان بریم سراغ سوالات فلسفه.

تست شماره ۱۳۳: پاسخ گزینه ۱

خب تو این تست به این کلمات دقت کنین. احتجاج یعنی مقابله کردن. و بی بهره و تفکر فلسفی
تفکر فلسفی چی بود؟ تفکری که اولاً موضوعش روز مره نباشه و ثانياً در باره چیز های کلی صحبت کنه.
باید یه عبارتی پیدا کنیم که نشون بده بت پرستا از تفکر فلسفی بهره بودند.

تو گزینه ۱ وقتی صحبت خواب و آشفتگی میکنه یعنی مسائل روز مره یعنی اینا اصلاً به موارد فراتر از ماده فکر
نمیکردن پس تا اینجا این گزینه جواب ماست.

گزینه ۲: تو این گزینه از خدا و فرشته و رسول صحبت شده یعنی همون مواردی که موضوعش روزمره نیست و
فراتر از مادست. پس این گزینه یه تفکر فلسفیه.

گزینه ۳: تو این گزینه هم از خدا و فلسفه اینکه چرا با انسان ها صحبت نمیکنه حرف میزنه و یعنی فلسفه
خداشناسی داره از یه مفهوم کلی حرف میزنه پس اینم یه تفکر فلسفیه

گزینه ۴: در این عبارت دقیق مثل سه تا گزینه قبلی از معاد و بازگشت استخوان های پوسیده حرف میزنه پس
میشه فلسفه معاد شناسی هم موضوعش روزمره نیست و هم یه موضوع کلیه پس میشه تفکر فلسفی

چون صورت سوال گفته بود که بی بهره باشند باید یه عبارتی رو پیدا کنیم که از تفکر فلسفی حرف نزنه چون
بی بهره بودن دیگه میشه گزینه ۱

تست شماره ۱۳۴: پاسخ گزینه ۴

بچه ها تو درس فلسفه به عبارت های آشکار تر و درست تر دقت کنین ممکنه یه سوال چهار تا گزینه هم جواب باشه ولی اون جواب بهتر مد نظر طراح محترم باشه با این توضیحات بریم سراغ تحلیل:

تو صورت سوال گفته دلیل نظرات ضد و نقیض مردم درباره سقراط.

گزینه ۱: ببینین این عبارت کاملا درسته و سخنان سقراط در باره اخلاق با نظرات ثروتمندان اونا سازگار نبود ولی جواب سوال مانیست چون نظرات ضد و نقیض یعنی بعضیا هم با سقراط موافق بودن و بعضیا مخالف اما اینجا فقط در باره مخالفت آورده تازه دلیل اصلی باور های ضد و نقیض هم به ما نمیگه.

گزینه ۲: تو این عبارت میگه چون سقراط مفاهیم مهم زندگی رو مورد پرسش قرار میداد باور های ضد و نقیض ازش شکل گرفت در صورتیکه این عبارت درسته و سقراط واقعا از مفاهیم مهم زندگی پرسش داشت ولی دلیل نظرات ضد و نقیض مردم دربارش نبود. (دقت کنین ببینین سوال چی خواسته)

گزینه ۳: تو این عبارت از سقراط یه عارف ساخته و میگه سقراط دنبال احیای فرهنگ ساده زیستی بود در حالیکه تو کتاب اومده هدف سقراط کمک به مردم برای کشف واقعیت بوده نه احیای ساده زیستی

گزینه ۴: دقیقا علت باور های ضد و نقیض از شخصیت سقراط این بود که نظرات و حرفاش به دل افراد ضعیف و فقیر جامعه آتن مینشست و باعث خشم ثروتمندان میشد این باعث میشد بعضیا خوبی های سقراط رو بگن و بعضیا که ب مبانی فکرشون سازگار نبود و دنبال حق نبودند از سقراط بد بگن پس جواب ما میشه این گزینه.

تست شماره ۱۳۵: پاسخ گزینه ۳

بریم و عبارات رو بررسی کنیم

گزینه ۱: تو این گزینه میگه هر نوع دریافت شهودی. ببینین دانش آموزان عزیز دریافت شهودی شامل وحی هم میشه طبق گفته این عبارت یعنی من با تهذیب نفس میتونم به وحی هم برسم آیا این درسته؟ نه چون وحی فقط مختص پیامبران هست. پس این عبارت درست نیست.

گزینه ۲: بچه ها درک پدیده های شهودی مثل دلهره شهودی اند ولی وقتی بخوایم اثر اونا رو بر رفتار ببینیم نیاز به حس یا چشم سر داریم اما تو این عبارت گفته پدیده های شهودی و اثرشون بر رفتار هم شهودی اند. من با درون خودم اثر بر رفتار رو حس نمیکنم با حس خودم میفهمم.

گزینه ۳: دانش آموزان عزیز قوانین بنیادین عقلی تو همه زمینه تو طبیعت برای درک قانون علیت مثلا من طلوع خورشید رو ببینم و کشف کنم که علت روشن شدن زمین طلوع خورشید است. و هم تو کشف پدیده های نفسانی همون موارد فرا مادی به کار میبرم. پس یه عبارت درستی.

گزینه ۴: یافته های بنیادین عقلی بچه ها همیشه با تجزیه و تحلیل یافته های حسی به دست آورد شما نمیتونین مثلا اصل سنخیت رو با استفاده یافته حسی به دست بیارین چون یه مورد کاملا عقلیه.

تست شماره ۱۳۶: پاسخ گزینه: ۴

یادآوری: کانت تلاش کرد که هم اعتبار عقل رو هم اعتبار اثبات کنه. و نشون داد که معرفت حاصل همکاری عقل و حسه. کانت قوه ادراکی انسان رو و تصویری مثل زمان و مکان و مفاهیمی مثل علیت نزد خود انسان میدونست و معتقد بود که از راه حس و تجربه به دست نیاید. از نظر کانت هر چی که انسان از طریق حس بهش میرسه در قالب این مفاهیم درک میکنه.

گزینه ۱: بچه ها طبق متن کتاب و بالا این عبارت مطابق نظر کانت نیست اصلا.

گزینه ۲: انسان هرچی که از راه حس بهش میرسه رو در قالب مفاهیم علیت و... درک میکنه اینجا برعکس آورده.

گزینه ۳: طبق کتاب درسی و نظر کانت این مفاهیم مثل علیت رو انسان از همون اول نزد خودش به صورت فطری داره و درک نمیشن.

گزینه ۴: طبق متن بالا وقتی یافته حسی رو با قالب مفاهیم عقلی درک کردیم به شناخت میرسیم اینجا حالا اسم یه نوع شناختم آورده و گفته شناخت تجربی متن درسته. پس جواب میشه این گزینه.

تست شماره ۱۳۷: پاسخ گزینه ۴

خب بچه ها باید تو این سوال بررسی کنیم ببینیم کدوم عبارت درسته و کدوم غلط سوال ترکیبی از پایه یازدهم هست.

گزینه ۱: ببینیم ما به فعل اخلاقی داشتیم و به فعل طبیعی. فعل اخلاقی به فعلی میگفتن که باعث تشویق عموم مردم بشه مثلا کمک کردن. ما وقتی به دیگران کمک میکنیم مورد تمجید دیگران قرار میگیریم پس میشه فعل اخلاقی. فعل طبیعی میشه مثلا راه رفتن. حالا میگه به فعل طبیعی مثل راه رفتن قابلیت اینو داره که تبدیل بشه به فعل اخلاقی. آیا ما با راه رفتن مورد تمجید دیگران قرار میگیریم؟ قطعاً نه پس این عبارت درست نیست.

گزینه ۲: تله تستی این عبارت لفظ همه است. بچه ها همه مکاتب اخلاقی این نظرو ندارند که عملی که بر اساس خلاف انسانیت باشه ضد اخلاقی است. این نکته رو هم در نظر داشته باشیم که اخلاق از نظر هر مکتب فرق میکنه و خود اخلاق هم یا مطلق داریم و یا نسبی صورت سوال عبارت دوپهلویی داده.

گزینه ۳: بچه ها تو این عبارت به یادآوری کنیم ما به عقل نظری داشتیم و به عقل عملی. عقل عملی انسان رو وادار به کاری نمیکنه انسان مختاره ولی تو این عبارت جوری صحبت شده انگار با وجود عقل عملی انسان مجبوره به تشخیص و عمل به فعل اخلاقی جدای از اینکه ما اصلاً عقل عملی رو تشخیص فعل اخلاقی رو برای فیلسوفان مسلمان داشتیم ولی اینجا هیچ قیدی براش نیاورده.

گزینه ۴: بچه ها کانت تو بحث اخلاق میگفت که به فعل اخلاقی نباید به خاطر تشویق بلکه برای اطاعت از وجدان انجام داد همچنین معتقد بود که قوانین اخلاقی کلی و عمومی هستن و باید ما به خاطر خودمون ای افعال اخلاقی رو انجام بدیم. هابز هم میگفت قوانین اخلاقی کلی و عمومی هستن پس این عبارت کاملاً درسته.

تست شماره ۱۳۸: پاسخ گزینه ۲

تو این سوال میگه من از وجود یک چیز مثل نیمکت مطمئنم ولی تردید دارم تو تشخیص وجود و ماهیتش.

گزینه ۱: بذارین این عبارت رو با مثال بررسی کنیم. الان اگر من به نیمکت رو در نظر بگیرم و بدونم که وجود داره ولی از حقیقتش آگاهی نداشته باشم مثلاً نمیدونم جنسش از چیه و... ولی میدونم وجود داره چون میبینمش. آیا من چون از حقیقت این نیمکت مثل جنس چوب و... آگاهی ندارم باید تو وجودش هم شک کنم؟ خیر این گزینه درست نیست.

گزینه ۲: این عبارت دقیق نقطه مقابل عبارت قبلیه میگه وقتی من به هستی چیزی یعنی وجود چیزی علم دارم لازم نیست حقیقت و نوع اون چیز مثل نیمکت رو هم بشناسم و کاملاً درسته.

گزینه ۳: این گزینه به طور مستقل گزاره درستیه و حمل وجود بر ماهیت به دلایل حسی یا عقلی نیاز داره. اما به سوال ما ارتباطی نداره یعنی سوال از ما خواسته تردید تو تشخیص هستی و ذات یه موجود را بررسی کنین.

گزینه ۴: این گزینه هم به خواسته سوال ارتباطی نداره صورت سوال از ما نتیجه تردید تو تشخیص ذات و ماهیت یه موجود رو میخواد ولی این گزینه اصلاً چنین مطلبی رو به ما نمیده.

تست شماره ۱۳۹: پاسخ گزینه ۲

بچه ها او این سوال چهارتا مفهوم داده تو هر گزینه و گفته که مفهوم دوم رو به مفهوم اول نسبت بدیم و مفهوم چهارم رو از مفهوم سوم سلبش کنیم هرکدوم که نسبتش برابر نبود جوابه منظور از نسبتام که معلومه دیگه: وجوبی امکانی و امتناعی رو میگه.

گزینه ۱) الان باید مفهوم دوم که ۳۶۰ است رو به مفهوم اول یعنی مربع نسبت بدیم. بچه ها نسبت این دوتا همیشه امکانی. چون درسته الان تو حقیقت و واقعیت مربع ۳۶۰ هست ولی میتونم از لحاظ عقلی تصور کنم که مربع ۳۶۰ نباشه و مجموع زوایایش یه عدد دیگه باشه. مفهوم چهارم رو باید از سومی سلبش کنیم. تعریف دارای نسبت نیست هم میشه امکانی چون من میتونم بعضی مفاهیم رو بدون نسبت تعریف کنم مثل تعریف انسان به حیوان ناطق.

گزینه ۲: الان باید سه پاره خط رو به مثلث نسبت بدم رابطه اینا میشه وجوبی چون ذات یه مثلث اینه که سه تا پاره خط داشته باشه و من اصلاً نمیتونم تصور کنم که مثلث چهار تا پاره خط داشته باشه. مفهوم چهارم یعنی حساس بودن به حیوان ببینین بچه ها تو تعریف یه مفهوم بزرگتر از حیوان یعنی جسم رشد کننده ما به جسم رشد کننده ای که حساس باشه میگی حیوان و انسان هم چون حساس هست جزو حیواناته پس رابطه این ها هم امتناعی. چون امکان نداره که یه حیوانی حساس نباشه. (مفهوم چهارم رو باید از مفهوم سوم سلب کنیم دیگه برای درک بهتر به این توضیحات دقت کنین: ما اول مفهوم خیلی بزرگی به اسم جوهر داریم همه مفاهیم موجود تودنیا جزو جوهرند حالا این جوهر اگر دارای بعد باشه همیشه جسم پس جسم جزوی از جوهر یعنی هر جسمی جوهره ولی هر جوهری جسم نیست. جسم هم اگر رشد کننده باشه همیشه نامی یعنی هر نامی یه جسمه

ولی هر جسمی نامی نیست بازم عموم وخصوص مطلق نامی هم اگر حساس باشد همیشه حیوان و اگر حساس نباشد همیشه گیاه حالا حساس بودن جزو ذاتیات یه حیوانه؟ بله.

گزینه ۳: مفهوم دوم رو به مفهوم اول نسبت میدیم عقل فعال زمانمند است. بچه ها عقل فعال و درکل عقل یه مفهوم فرامادیه زمان یعنی مادی این دوتا باهم نمیتونن باشن. هیچ وقت یه مفهوم فرامادی دارای قید و بند های مادیات نیست. پس همیشه **امتناعی**. خط منحنی با دایره هم همیشه **امتناعی** اینجا اگر بگیریم دایره خط منحنی نیست یه رابطه امتناعی داریم محاله که دایره خط منحنی نباشه.

گزینه ۴: مفهوم دوم رو به مفهوم اول نسبت میدیم. مضرب هفت فرد است. اینجا ما یه رابطه **امکانی** داریم ممکنه که مضرب عدد هفت فرد نباشه. دارای حرکت دارای علم نیست. اینجا هم یه رابطه **امکانی** وجود داره ممکنه که دارای حرکتی مثلا ببر دارای علم نباشه (سوال گفته بود مفهوم چهارم از سوم سلب کنیم دیگه)

تست شماره ۱۴۰: پاسخ گزینه ۲

گزینه ۱): بچه ها این عبارت رو به کلمه تنها دقت کنین. یکی از باور های فیلسوفان مسلمان امتناع اجتماع نقیضین نه تنها قاعده.

گزینه ۲: بچه ها این عبارت درسته چون هیوم اعتقاد داشت که برای درک اصل علیت باید از روش تجربی استفاده کرد اصلا به خاطر همین روش تجربی بود که توالی پدیده هارو مطرح کرد. تا بگه که بدون استفاده از تجربه نمیشه علیت رو فهمید. تازه علیت رو هم این گفت که براش نمیشه مصداقی با تجربه درنظر گرفت.

گزینه ۳: فلیسوفان تجربه گرا برخلاف دکارت درسته ولی دقت کنین ابن سینا حرفی از فطری و ذاتی نگفته بود.

گزینه ۴: بچه ها هیوم هم به قاعده عقلی معتقده فقط میگه که نمیشه با روش تجربی اثباتش کرد. حالا اینجا آیا هیوم اعتقاد نداشت که هر علتی معلول خاص خودش رو داره؟ قطعاً میگفت درسته.

تست شماره ۱۴۱: پاسخ گزینه ۴

دانش آموزان اینجا چهار تا عبارت داده و ازما خواسته که کدام رو بپذیریم یعنی نفی علیت یا یکی از لوازش.

گزینه ۱: رفتار انسان دانش آموزان عزیز تاثیری تو روند این جهان نداره. هر انسانی هر جور رفتار کنه بالاخره روزی قیامت میشه پس اینجا هر نوع عمل انسان ربطی فرجام جهان نداره.

گزینه ۲: این گزینه دقیقا علت رو بیان میکنه و میگه حوادث جهان توسط خداوند مقدر شده است. اما سوال از نفی علت خواسته.

گزینه ۳: این گزینه علم انسان رو میگه و منظوروش اینه که انسان با علمش نمیتونه سرنوشت خودش رو پیش بینی کنه و این عبارت اصلا به علت مربوط نیست تابخواه علت رو نفی کنه یا خیر.

گزینه ۴: اینکه سرنوشت نهایی جهان با حوادث نسبتی نداره یعنی نفی علت. حوادث جهان رو باید با پذیرش اصل علت ارتباطشون با رویداد هارو بررسی کنیم وگرنه که اگر این جهان رو رویداد هاش رو و ارتباط رویداد های قبلی باهم علت سرنوشت نهایی و اتفاق افتادن رویداد ها ندونیم اصل علت رو زیر سوال برده ایم.

تست شماره ۱۴۲: پاسخ گزینه ۲

مفهوم کلی این سوال یعنی کدام صفت خداوند از نظر نیاز یا عدم نیاز به هستی. صفت های خداوند یا نیاز به هستی است مثلا صفت خالقیت خداوند باید مخلوقی باشد که خداوند صفت خالقیت داشته باشد به عبارتی خداوند با خلق موجودات صفت خالقیت پیدا میکند. یکی دیگه از صفت های خداوند جزو ذاتیات خداست و به هستی دیگر موجودات مد نظر نیست حالا از ما خواسته هر نوع صفت خداوند رو تو گزینه باید یکسان هاشو پیدا کنیم یعنی یا به هستی دیگر موجودات نیازه مثل خالق بودن و یا به هستی دیگر موجودات نیاز نیست.

گزینه ۱: مثال خیر: این صفت زمانی هست و اطلاق میشه که یه تعدادی وجود داشته باشن و بخوان رتبه وجایگاهشون رو بهتر کنن به عبارتی دیگه تو دنیا ما خوبی داریم انسان های خوب داریم زمانی میگی خدا خوب ترین هست که یه موجودات خوبی باشن. پس این صفت به هستی دیگر موجودات نیازه. صانع بودن: زمانی ما به کسی میگی صانع که چیزی رو ساخته باشه تاوقتی که کسی چیزی رو نساخته صانع نیست خداوند هم سازنده وافریننده کل جهان وموجوداته صانع هست. پس این صفت هم به هستی دیگر موجودات نیازه. پیوسته ثابت: این صفت خداوند ارتباطی با دیگر موجودات نداره و خود ذاتیات خداوند رو میگه/

گزینه ۲: تغییر ناپذیر: این صفت خداوند به هستی موجودات دیگه ارتباطی نداره و ذات خداوند رو اشاره داره. تغییر ناپذیر: این صفت هم مانند صفت قبلی ارتباطی با دیگر با موجودات نداره فقط ذات خداوند رو اشاره داره خوبی مطلق: آیا خوب بودن خداوند و اینکه خداوند خیر برکت و مهربانی است به دیگر موجودات ارتباطی داره؟ خیر این صفت هم ذات خداوند رو اشاره میکنه وپاسخ این گزینست.

گزینه ۳: شریف ترین موجودات: این صفت به موجودات دیگر نیاز مند است چون باید تودنیا موجودات شریفی باشن تا خداوند بین همه اون موجودات شریف تری باشه. ، جمال و زیبایی: ببینین اگر میگفت زیباترین باز هم به دیگر موجودات نیاز میشد اما جمال و زیبایی به ذات خداوند اشاره داره و لازمه اش موجودات دیگه نیستن. نادیدنی: این صفت هم نیازی به دیگر موجودات نداره هرچند با قسمت قبلی این گزینه رد میشد چون اولین صفت خداوند با دومین صفت از حیث لازمه هستی دیگر موجودات متفاوت شد.

گزینه ۴: محرک اول: یعنی در دنیا محرک هایی وجود دارند که خداوند محرک اول است پس به دیگر موجودات نیاز داره. دارای عالی ترین اندیشه: به دیگر موجودات نیاز هست در دنیا موجوداتی باید باشند که اندیشه های عالی داشته باشند و خداوند عالی ترین اندیشه های رو داشته باشه. ضرورتا موجود: به ذات خداوند اشاره داره و اینکه خداوند ضرورتا موجود است و ارتباطی با اینکه هستی های دیگر و موجودات دیگر باشند و یا نباشند ندارد.

تست شماره ۱۴۳: پاسخ گزینه ۱

گزینه ۱: این گزینه مطابق متن کتاب درسی است و حکیمان ایران باستان این اعتقاد رو داشتند.

گزینه ۲: فلیسوفان مسلمان از کتاب های آسمانی چنین نتیجه ای نگرفتند. عبارت دوم گزینه درسته و فیلسوفان مسلمان اعتقاد دارند که عالم عقل با حواس قابل درک نیست. اما این نتیجه رو از کتاب های آسمانی نگرفتند بلکه با استفاده از عقل خودشون به این نتیجه رسیدند.

گزینه ۳: عقل انسانی جزئی از عالم عقول نیست. آخرین مرحله عالم عقل فعاله که به انسان تو حل مسائل کمک میکنه ولی عقل انسانی جزو این عالم نیست.

گزینه ۴: درسته که هراکلیتوس معتقد بود سخن انعکاس افکار انسانه ولی دقت کنین هراکلیتوس نگفته جهان هم مانند سخن انعکاس افکار انسانه.

تست شماره ۱۴۴: پاسخ گزینه ۴

خب تو این سوال باید اساس ورود به فلسفه سیاسی فارابی رو بررسی کنیم. اساس ورود یعنی هدف اصلی ممکنه هر چهارتا گزینه عبارت درستی باشن ولی هدف اصلی فارابی از ورود به فلسفه سیاسی رو فقط یک عبارت بیان کنه.

گزینه ۱: این عبارت کاملا درسته ولی طبق متن کتاب درسی هدف اصلی فارابی از ورود به فلسفه سیاسی نیست.

گزینه ۲: این گزینه یعنی رئیس جامعه هم جزو نظرات فارابی است ولی بازهم هدف اصلی رو بیان نمیکنه یکی از نظریه های فارابی تو عرصه فلسفه سیاسی رو میگه.

گزینه ۳: این گزینه هم دقیق بیانگر یکی از نظریات فارابی و ویژگی های مدینه فاضله است. بازهم هدف اصلی فارابی نیست.

گزینه ۴: فارابی به عنوان فیلسوف چون انسان ها زندگی جمعی نیاز دارند خودش رو ملزم دونست وارد فلسفه سیاسی بشه تا قوانین جمعی و زندگی انسان ها تو جامعه رو برای شکل گیری یه جامعه عالی به اسم مدینه فاضله ایجاد بشه و مردم این قوانین رو بشناسن.

تست شماره ۱۴۵: پاسخ گزینه ۳

یادآوری: اصل حقیقت وجود یعنی وقتی به موجودات جهان نگاه میکنیم اول وجود آنها رو میبینیم و سپس ذهن ما از این وجود ها و تفاوتشون با یکدیگر حقیقت آن ها رو کشف میکنه.

گزینه ۱: این عبارت دقیقا اصل حقیقت وجود رو میگه اینکه خارج از ذهن ما وجود اونها رو میبینیم و با ذهن خودمون تفاوت اون ها رو کشف میکنیم. مثلا اول وجود یه نیمکت رو میبینیم این ذهن ماست که تفاوت نیمکت با آسمون رو انتزاع میکنه و ما بینشون فرق میزاریم.

گزینه ۲: این عبارت هم دقیق بینانگر نظر ملاصدرا و اصل حقیقت وجوده چون دقیقا ذهن انسانه که تفاوت وجود های مختلف رو احساس میکنه و ممکنه بیش از یه مفهوم رو درک کنه. اول وجودش رو بعد ماهیتش رو.

گزینه ۳: صورت سوال گفته مفهوم وجود نسبت به موجودات معانی متفاوتی دارند. در حالیکه نظر اصل حقیقت وجود میگفت که وجود بین موجودات یه مفهوم مشترکه واین ماهیته که تفاوت داره مثلا بین وجود نیمکت ووجود انسان وجه مشترک اینه که هر دو وجود دارن اون چیزی که تفاوت ایجاد میکنه ماهیته. این گزینه با اصل حقیقت وجود ناسازگار شد پس جواب ما این گزینست.

گزینه ۴:

این عبارت هم مطابق اصل حقیقت وجوده موجودات جهان از جهت وجود باهم مشترکن و از جهت ماهیت با هم تفاوت دارن پس موجودات جهان هم نقطه اشتراک وهم نقطه اختلاف دارند.

تحلیل کلی سوالات :

سوالات از سطح متوسط به دشوار طرح شده بود و سوالاتی بود که نیاز به درک و مطالعه عمیق کتاب درسی داشت. ونه صرفا حفظ. هرچند هم در کنکور امسال و سال های قبل نظر فلاسفه و نقاط اشتراک و اختلاف آمده بود این مطالب حفظی هستند. در کل سوالات حالت تحلیل داشت.

با آرزوی سلامتی و موفقیت برای همه دانش آموزان.

سید علی هاشمی.